

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

AL-MONITOR

ابزارهای ایران در مقابل چین

چین اخیراً در بیانیه‌های بار دیگر حمایت خود را از موضع ابوطیبی در رابطه با جزایر سه‌گانه مورد مناقشه ایران و امارات اعلام کرد. در این بیانیه که در جریان مجمع همکاری چین و کشورهای عربی در پکن منتشر شد، «حمایت چین از تلاش‌های امارات برای دستیابی به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز برای موضوع جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از طریق مذاکرات دوجانبه» اعلام شد. از نظر ایرانی‌ها نیازی به مذاکره نیست و این جزایر چندین دهه است که متعلق به ایران بوده‌اند. ایران که به شدت از موضع چین ناامید شده بود، کونگ پیوو، سفیر جدید چین در جمهوری اسلامی را احضار کرد. در این دیدار، دولت ایران انتظار خود را از پکن برای «تصحیح موضع خود» در مورد جزایر سه‌گانه اعلام کرد. پس از دیدار با مقامات ایرانی، پکن موضع خود را دوباره تکرار کرد و مدعی شد که این بیانیه بیانگر موضع واقعی چین در این مورد است. مشخص نیست که آیا چینی‌ها صرفاً یا صدور این بیانیه از فرصت برای تقویت امارات متحده عربی استفاده می‌کنند و در نهایت معتقدند که هرگونه چالش مادی بر سر جزایر بسیار بعید است یا خیر. با این حال، آنچه واضح است این است که در حال حاضر اختلافاتی بین ایران و چین وجود دارد. اما این اولین بار نیست که جزایر سه‌گانه بر روابط ایران و چین سایه افکنده‌اند و همچنین اولین باری نیست که چینی‌ها ایرانی‌ها را در تلاش برای ایجاد تعادل بین ایران و دشمنانش در منطقه ناراحت می‌کنند. در دسامبر ۲۰۲۲، پکن بیانیه مشترک مشابه و در واقع تقریباً مشابهی با شورای همکاری خلیج‌فارس درباره این سه جزیره صادر کرد. پاسخ ایران تقریباً مشابه بود. سفیر چین احضار شد. ایرانی‌ها خشم خود را ابراز کردند و ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور سابق ایران این موضوع را در دیدار با معاون نخست‌وزیر چین مطرح کرد. بیانیه اخیر چین فریاد کسانی در ایران است که به شدت نگران نقش چین در ایران هستند را بلند کرد و چندین سیاستمدار ایرانی را وادار کرد تا حملات شدیدی علیه چین صورت دهند. برخی حتی این سوال را مطرح کردند که آیا جمهوری اسلامی باید در سنت چندین‌دهه‌ای حمایت از چین در مورد مسائل اصلی حاکمیت، از جمله بحران اویغور و وضعیت تایوان، تجدیدنظر کند یا خیر. تصور آنها این بود که اگر چین مایل به تضعیف حاکمیت ایران باشد، چرا ایران اقدام متقابل نکند؟ پاسخ در انزوای ایران در صحنه بین‌المللی نهفته است. روابط تهران با پکن که با رویدادهای هفته گذشته در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کاملاً شفاف می‌شود، برای ایران حائز اهمیت است. چهارشنبه گذشته، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رای به محکومیت ایران داد اما چین و روسیه با این اقدام مخالفت کردند. اگرچه این مخالفت نتوانست جلوی صدور قطعنامه آژانس را بگیرد اما به هر حال ایران به چین نیاز دارد تا در مجامع بین‌المللی صدای تهران باشد. در واقع، پکن در بیانیه مشترکی با ایران و روسیه از کشورهای غربی خواست اراده سیاسی نشان دهند، خود را از چرخه بی‌پایان تشدید تنش دور نگه دارند و گام‌های لازم را در جهت احیای برنامه جامع اقدام مشترک بردارند. این نوع پشتیبانی است که شعله‌روابط با چین را برای تهران روشن نگه می‌دارد. ایران مدت‌هاست که از جامعه بین‌المللی منزوی شده است. چین هرگز از تعامل با ایران ایایی نداشته است. در حالی که پکن توسط بسیاری در جمهوری اسلامی به دلیل انحصار بازارهای ایران مورد انتقاد قرار گرفته است، اما برای مدت طولانی در میان نوسانات تحریم‌های بین‌المللی و محرومیت‌های سیاسی، راه نجاتی برای اقتصاد ایران بوده است. پس گزینه‌های ایران چیست؟ مطمئناً، ایران می‌تواند از بیانیه چین در مورد ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک ناراحت شود، یا خشم خود را از چین ابراز کند اما در نهایت مجبور است بر انتفاع از منافع اقتصادی و سیاسی زیادی که از روابط خود با پکن می‌برد تمرکز کند. برای مقامات ایرانی هیچ شکی وجود ندارد که کدام مسیر را ترجیح دهند. روابط چین و ایران ممکن است در مواقعی گرفتار اختلاف شود، اما تهران قصد ندارد از این روابط خارج شود.

دیپلماسی

DIPLOMACY



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

روزنامه الاخبار هفته گذشته به نقل از منابع آگاه نوشت که بیروت پیام‌های دیپلماتیکی دریافت کرده که حاکی از حمله قریب‌الوقوع اسرائیل است. انگلیس در پیام خود به لبنان، تاریخ این حمله را اواسط ژوئن عنوان کرده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نیز ۱۶ خردادماه در بازدید از مرز لبنان گفت که «ما برای اقدامی مقتدرانه در شمال آماده‌ایم. هر طور شده امنیت را به شمال بازمی‌گردانیم». ارتش اسرائیل همچنین در هفته‌های گذشته فاصله زمانی میان ترور فرماندهان ارتش حزب‌الله را کاهش داده است که در یکی از تازه‌ترین مورد آن طالب سامی عبدالله، ملقب به حاج ابوطالب، از فرماندهان میدانی حزب‌الله سه‌شنبه‌شب در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به شهرک جواد در جنوب لبنان به شهادت رسید. همچنین پنجشنبه‌شب نیز منابع اسرائیلی از ترور یک مقام ارتش حزب‌الله در حمله به منزلی در شهرک جناتا در جنوب لبنان خبر دادند (برخی رسانه‌های عربی از احتمال کشته شدن سیدهاشم صفی‌الدین، رئیس اجرایی حزب‌الله و نفر دوم این گروه در این حمله خبر می‌دهند) که می‌تواند در راستای تضعیف این گروه مقاومت به‌عنوان مقدمه‌ای بر آغاز جنگی فراگیر باشد.

حزب‌الله یک روز پس از عملیات طوفان الاقصی، ابتدا به‌صورت محدود و متمرکز بر مزارع شبعاء و تپه‌های کفرشوبا که لبنان آن را خاک خود می‌داند، حملاتی را علیه مواضع اسرائیل آغاز کرد. سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در نخستین سخنرانی خود پس از عملیات طوفان الاقصی گفت: «مقاومت اسلامی لبنان از ۸ اکتبر وارد نبرد واقعی شده که فقط اشخاصی که در مرزها هستند می‌توانند آن را احساس کنند». این در حالی است که اسرائیل در ادامه جنگ، شهر بعلیک در شمال لبنان که یکی از پایگاه‌های اصلی شیعیان طرفدار حزب‌الله لبنان است را نیز مورد هدف قرار داد.

تبادل آتش میان ارتش اسرائیل و حزب‌الله طی ۸ ماه گذشته، هم از نظر قلمرو زیر آتش و هم از نظر تسلیحات مورد استفاده، به آرامی افزایش یافته است. در این بازه زمانی، حزب‌الله تا عمق ۳۵ کیلومتری سمت اسرائیل را هدف قرار داده، در حالی که اسرائیل مناطقی از لبنان را در بیش از ۱۲۰ کیلومتری شمال هدف قرار داده است. با این حال، بسیاری از تحلیلگران معتقدند اسرائیل دیگر نمی‌تواند جبهه شمال را نادیده بگیرد؛ حملات حزب‌الله در ۹ ماه گذشته موجب تخلیه شهرک‌های اسرائیلی در شمال فلسطین اشغالی شده و نارضایتی فراوانی را علیه دولت رژیم صهیونیستی در پی داشته است. همچنین به‌دنبال حملات موشکی هفته گذشته حزب‌الله لبنان، حریق بخش‌هایی از شمال اسرائیل را فراگرفت. آتش‌نشانی و نیروهای امدادی اسرائیل می‌گویند پس از ۹ ساعت تلاش بخش بزرگی از آتش را مهار کردند.

سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله در سخنرانی خود در سالگرد شهادت شهید مصطفی بدرالدین از فرماندهان مقاومت که در سوریه به شهادت رسید، گفت: «هدف اصلی جبهه لبنان، تحت فشار قرار دادن اسرائیل برای توقف جنگ در غزه

است. جبهه لبنان به حمایت از غزه ادامه خواهد داد و این امر تعیین‌کننده و نهایی است».

آتش‌بس‌های موقت در میان یک جنگ طولانی

لبنان و اسرائیل رسماً چند دهه است که در وضعیت جنگی قرار دارند؛ اسرائیل در سال ۱۹۸۲ حمله ویرانگری را به لبنان آغاز کرد و پس از اینکه مورد حمله شبه‌نظامیان فلسطینی قرار گرفت، تانک‌ها را به پایتخت بیروت فرستاد. سپس جنوب لبنان را به مدت ۲۲ سال اشغال کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۰ توسط حزب‌الله بیرون راند. در لبنان، حزب‌الله رسماً یک گروه مقاومت در نظر گرفته می‌شود که وظیفه مقابله با اسرائیل را بر عهده دارد که بیروت آن را به‌عنوان دولت‌دشمن طبقه‌بندی می‌کند.

از آن زمان، دو طرف به صورت پراکنده با یکدیگر تبادل آتش کرده‌اند، اما تنش‌ها در سال ۲۰۰۶ هنگامی که اسرائیل پس از گروگان‌گرفته شدن دوسریاز خود توسط حزب‌الله وارد جنگ در جنوب لبنان شد، بالا گرفت. در این درگیری بیش از ۱۰۰۰ لبنانی که اکثر غیرنظامی بودند و همچنین ۴۹ غیرنظامی اسرائیلی و ۱۲۱ سرباز کشته شدند. دو سال بعد، حزب‌الله بقایای سربازان بوده‌شده را در ازای آزادی آسرای لبنانی و فلسطینی در زندان‌های اسرائیل و همچنین اجساد شبه‌نظامیانی که اسرائیل در اختیار داشت، بازگرداند.

همچنین مرز لبنان با اسرائیل از ماه‌ها قبل از عملیات طوفان الاقصی به صحنه تنش مرزی بدل شده و در آستانه یک انفجار بود چرا که از تیرماه سال گذشته، حزب‌الله لبنان دو چادر را در مرز خود با اسرائیل برپا کرده بود و تکاوران گردان رضوان در آن مستقر بودند که اسرائیل از همان ابتدا معتقد بود این چادرها در عمق ۳۰ متری فلسطین اشغالی و به‌طور مشخص در محل تحت کنترل تل‌آویو در مزارع شبعاء، برپایی چادر از سوی حزب‌الله در واکنش به اقدام ارتش اسرائیل برای ساخت دیواری بود که بخش شمالی روستای الفجر در بلندی‌های جولان اشغالی را در بر می‌گرفت. دولت لبنان در آن مقطع اعلام کرد که اگر اسرائیل از بخش شمالی روستای الفجر عقب‌نشینی کند، حزب‌الله نیز دو چادری را که از ماه ژوئن در مزارع شبعاء برپا کرده، بر خواهد چید. در ماه اکتبر و پیش از آغاز جنگ در غزه، در ماه اکتبر نیروهای لبنانی و اسرائیلی چندین بار به سمت یکدیگر گاز اشک‌آور و بمب‌های دودزا شلیک کردند. ارتش لبنان در حال حذف آنچه که نقض غیرقانونی اسرائیل به خط آبی می‌خواند زیر نازک‌های دودزای اسرائیل قرار گرفت. تحلیلگران در همان زمان نیز اعلام کرده بودند که تنش‌ها در امتداد مرز لبنان و اسرائیل به بالاترین حد خود رسیده است و هر دو طرف بایدکسری مانورهای تحریک‌آمیز این تنش را بالا می‌برند.

آخرین درگیری‌ها بین اسرائیل و حزب‌الله پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر آغاز شد که به گفته مقامات اسرائیلی، ۱۲۰۰ نفر را کشت و ۲۵۰ نفر را ربود. این امر اسرائیل را بر آن

داشت تا با حماس در غزه وارد جنگ شود و در طی آن، بسیاری از مناطق را با خاک یکسان کرده و بیش از ۳۶۰۰۰ فلسطینی را کشته است. حزب‌الله گفته است که دور کنونی نبرد با اسرائیل برای حمایت از فلسطینیان در غزه است.

توانایی نظامی گروه لبنانی از سال ۲۰۰۶، زمانی که عمدتاً بر موشک‌های کاتیوشای بازمانده از دوران شوروی متکی بود، افزایش یافته است. امروز، سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله می‌گوید که گروهش بیش از صد هزار جنگ‌جو و ذخیره دارد. همچنین گفته می‌شود که این گروه صدوپنجاه هزار موشک در اختیار دارد که در صورت وقوع یک جنگ همه‌جانبه، می‌تواند دفاع اسرائیل را تحت تأثیر قرار دهد.

تلاش‌ها برای خاموش کردن آتش جبهه شمال

از آغاز فعالیت جبهه شمال علیه اسرائیل، بار دیگر پای میانجی‌های بین‌المللی به لبنان باز شده است؛ عاموس هوکشتاین آمریکایی که پیش از این و در دو گفت‌وگوی دوساله از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ موفق شد تا توافق بر سر مرزهای آبی را میان این دو کشور به امضا برساند، از نخستین روزهای آغاز تنش میان لبنان و اسرائیل بارها راهی بیروت و تل‌آویو شده است تا ضمن تلاش برای توقف تبادل آتش، روند حل و فصل اختلافات مرزهای زمینی میان لبنان و اسرائیل را نیز کلید بزند.

استفان سزونی، وزیر امور خارجه فرانسه نیز اردیبهشت‌ماه با هدف گفت‌وگو در خصوص توقف درگیری‌های نظامی بین حزب‌الله و ارتش اسرائیل در راستای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت و همچنین بازگشت ایمن ساکنان مناطق شمالی سرزمین‌های اشغالی و بازگشت ایمن شهروندان لبنانی به شهرها و روستاهای جنوبی خود و در نهایت استقرار ارتش لبنان در مناطق مرزی با اسرائیل همراه با تقویت نیروهای یونینفل و ارائه کمک‌های لازم راهی لبنان شد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده نیز از زمان آغاز جنگ در غزه، برای کنترل دایره جغرافیایی تنش، مکاتبات غیرمستقیم خود را آغاز کردند که نقطه عطف آن در زمان حمله پهبادی و موشکی ایران به اسرائیل بود؛ تا جایی که نهایتاً ابعاد این حمله کنترل شد بلکه به‌رغم همه احتمال‌ها مبنی بر واکنش شدید اسرائیل، تل‌آویو به یک خرابکاری محدود به سیاق اقدامات پیشین خود بسنده کرد. رایزنی‌های تهران و واشنگتن همچنین در ماه‌های گذشته تنش در عراق را نیز به‌صورت محسوسی کنترل کرد تا حملات نیروهای مقاومت مستقر در این کشور علیه پایگاه‌های آمریکایی متوقف شود.

علاوه بر ایالات متحده و فرانسه، رئیس‌جمهور روسیه نیز در خصوص آغاز جنگ همه‌جانبه علیه لبنان به اسرائیل هشدار داده است؛ ولادیمیر پوتین خطاب به تل‌آویو گفت: «پهبادهای موشک‌هایی که ساعت‌ها طول کشید تا از ایران به اسرائیل برسند، در صورت وقوع جنگ با لبنان، ظرف چند دقیقه به اسرائیل می‌رسند».

جنگ تمام‌عیار و ثبات در خاورمیانه

تهاجم احتمالی اسرائیل به لبنان، پای ایران را به جنگ بازمی‌کند؟